

در گفت و گو با کارشناس مسائل خلیج فارس مطرح شد:

تداوم بحران یمن با کاهش شعله های آن

در مقطع کنونی موضع گیری برخی از کشورهای غربی در قبال پایان بحران یمن و ارسال پیام ها و برخی فعل و انفعالات سیاسی بیش از آنکه ناشی از توقف اقدامات میدانی عربستان و متحدین آن باشد، کوششی در جهت کاستن از شعله های بحران و فوریت دادن به اقدامات اضطراری انسانی است.

به گزارش گروه بین الملل ایسکانیوز، بحران مداخله جویی عربستان در یمن در حالی به چهارمین سالگرد خود نزدیک می شود که ریاض همچنان بدون وجود یک چشم انداز روشن همچنان در این باتلاق دست و پا می زند. مقاومت همه جانبه جنبش مردمی انصارالله، توان بسیج کنندگی مردمی و قابلیت های نظامی و استراتژیکی این گروه ریاض را در یک وضعیت فوق العاده سخت قرار داده است. روزنامه نگار منتقد سعودی جمال خاشقجی نیز بیش از پیش اعتبار و پرستیژ سعودی ها را حتی در میان متحدین خود تخریب کرده است. اکنون کشورهای غربی نیز به واسطه قرار گرفتن سعودی ها در یک وضعیت تدافعی خواستار پایان بحران یمن و شروع مذاکرات برای تعیین سرنوشت این کشور در آینده هستند. آیا این درخواست ها باعث تغییر رویه سعودی ها در قبال جنگ یمن می شود؟ یا اینکه این موضع گیری ها بیشتر ژست های اعلامی مراکز سیاست خارجی کشورهای غربی محسوب می شود؟ هدف کشورهای غربی از طرح این موضع چیست؟ همچنین شروع دوباره نبرد الحدیده در این میان آیا به معنی پایان سراب ایجاد صلح در یمن است؟ آیا پیروزی در الحدیده می تواند معادله پیچیده سیاست و قدرت در صنعا را تغییر دهد؟ یا اینکه بحران یمن همچنان بدون وجود یک برنامه جامع برای پایان آن ادامه خواهد یافت. برای بررسی این سوالات و چندین موضوع دیگر خبرنگار گروه بین الملل ایسکانیوز، با کامران کرمی کارشناس مسائل خلیج فارس گفت و گو کرده است که در ادامه خواهید خواند.

* در چند روز گذشته پیام های مختلفی از چندین کشور غربی مبتنی بر پایان بحران یمن و شروع مذاکرات منتشر شد؛ اما اکنون شاهد دور جدیدی از جنگ و درگیری در جبهه های مختلف هستیم و به طور عملی فاصله بسیاری با تحقق صلح داریم. این تناقض و پارادوکس را چگونه ارزیابی می کنید؟

در واقع این تناقض بیشتر ناظر بر آزادی عمل عربستان در جنگ یمن بوده که بخش عمده ای از آن در همراهی با کشورهای غربی محقق شده است. حمایت های اطلاعاتی آمریکا از عربستان در جنگ یمن و کمک های تسلیحاتی برخی دول اروپایی از ریاض در طول سه سال و چند ماه اخیر به خوبی گویای این واقعیت است که قدرت های بزرگ عملاً دست عربستان را در یمن باز گذاشته و فشار ملموسی در خصوص کاستن از حملات هوایی، توقف کشتارها، آتش بس و ورود به فرآیند مذاکره از خود بروز نداده اند. در مقطع کنونی هم موضع گیری این بازیگران و ارسال پیام ها و برخی فعل و انفعالات سیاسی بیش از آنکه ناشی از توقف اقدامات میدانی عربستان و همپیمانان آن باشد، کوششی در جهت کاستن از شعله های بحران و فوریت دادن به اقدامات اضطراری انسانی است. اگرچه باید خوشبین بود که این فشارها بخصوص از سمت آمریکا بتواند عربستان را از اقدام نظامی به سمت اقدام سیاسی هدایت کند؛ اما حتی با وجود این تحول هم نمی توان چندان امیدوار بود که ریاض از خواسته های حداکثری خود در میز مذاکره عبور کند و مهم تر از آن واقعیت های جدید

در یمن همچون قدرت گیری انصارالله را بپذیرد.

* در چند روز گذشته خبرهای ضد و نقیضی از جبهه های جنگ یمن به گوش می رسد. عربستان و متحدینش از پیشروی سخن می گویند و نیروهای مردمی وابسته به جنبش انصارالله به دفع این حملات اشاره می کنند آیا امکان دارد به وضعیت نبرد و جبهه های کنونی جنگ در یمن اشاره کنید؟

عمده تحولات میدانی معطوف به استان بندری الحدیده است که با توجه به اهمیت راهبردی آن، درگیری های نظامی در محورهای چندگانه آن به سمت دیگر استان ها از جمله صنعا در جریان است. طرف های درگیر هم معتقدند که تسلط کافی بر بندر الحدیده و محورهای چهارگانه آن همچون الجبیله، الفازه، الحاج و التحیتا دارند. همچنین در بخشی از استان الجوف که در اختیار انصارالله و متحدان آن است درگیری ها گسترده است، چرا که این نقطه دروازه شرقی برای ورود نیروهای ائتلاف عربی به استان های صعده، صنعا و عمران است. همچنین بخشی دیگر از درگیری ها باز معطوف به شرق استان صنعا با استان مارب است که در چنین شرایطی تلاش سازمان ملل نیز توقف درگیری ها و اعلان آتش بس در این استان و تلاش برای فراهم آوردن زمینه های مذاکره است که با توجه به پیچیدگی های میدانی، به نظر می رسد کاری دشوار و طولانی در پیش است.

* آیا احتمال دارد تلاش های برخی از کشورهای غربی برای شروع مذاکرات و پایان جنگ، بعد عینی و فیزیکی به خود بگیرد یا این مسئله در حد سیاست اعلامی باقی می ماند؟ بسیاری بر این باور هستند کشورهای غربی تنها به لحاظ اعلامی به ریاض فشار وارد می کنند و به لحاظ عملی در این باره اقدامی جدی انجام نمی دهند؟

اتحادیه اروپا و بخصوص بریتانیا از یک سال گذشته به شکل عینی و فیزیکی تلاش های خود را برای متقاعد کردن طرفین به در پیش گرفتن راه حل سیاسی از خود نشان داده و سعی کرده تا با ایجاد یک چهارچوب فراگیر مذاکراتی با طرفین ذی نفع، به سمت پایان دادن به جنگ یمن حرکت کند. سازمان ملل نیز از طریق فرستاده ویژه خود تلاش هایی را عمدتاً به شکل کمک رسانی به مردم یمن در حال انجام دادن است؛ اما در خصوص رویکرد آمریکا، اما واگرایی در کار است که باعث شده تا واشنگتن به شکل عینی وارد این بحران نشود و از همین زاویه است که یکی از عناصر مهم در شکل دهی به پایان جنگ یمن عملاً فراهم نشود. ضرب الاجل یک ماهه ای که آمریکایی ها پس از قتل خاشقجی برای پایان دادن به جنگ یمن از سوی عربستان مطرح کردند، نیز اگرچه یک گام به جلو محسوب می شود، اما نمی توان آنرا یک تحول مهم در روند جنگ یمن و فرآیندی معطوف به مذاکره دانست. در واقع واکنش آمریکا را می توان بیشتر ناظر به ابعاد انسانی و وخامت اوضاع در یمن، آن هم پس از واکنش نهادها و مجامع حقوق بشری و فشار افکار عمومی تحلیل کرد.

* اکنون عربستان به واسطه کشتن جمال خاشقجی روزنامه نگار منتقد سعودی در حالت تدافعی قرار گرفته است آیا این پرونده بحران آمیز می تواند سیاست های تهاجمی ریاض در منطقه و به ویژه یمن را تغییر دهد یا خیر؟ یعنی یک بحران داخلی زمینه ساز تحول در سیاست خارجی سعودی ها شود.

فارغ از اینکه ما باید به پیشران های سیاست تهاجمی عربستان در سطح منطقه توجه ویژه داشته باشیم و نقش آن را جدا از فعل و

انفعالات روزمره مورد تبیین قرار دهیم؛ اما به نظر می رسد که در مقطع کنونی و با توجه به فشارهایی که از سوی آمریکا بر ولیعهد سعودی و پادشاه عربستان اعمال می شود، زمینه برای تغییر در برخی رویکردها بخصوص درباره جنگ یمن در حال فراهم شدن است. البته این به میزان واقعی بودن فشارهای آمریکا و همراه شدن آن با فشار افکار عمومی و تلاش سازمان ها و نهادهای بین المللی بستگی دارد که تا چه حد، ولیعهد سعودی و مسئول جنگ یمن را متقاعد به پایان دادن این جنگ کنند. از این رو نکته کلیدی از یک سو به سطح فشارها و از سوی دیگر فراهم شدن زمینه های داخلی در یمن برای ورود به فرآیند مذاکره بستگی دارد. بنابراین اگر چنین فرمولی محقق شود می توان گفت عربستان که از مدت ها قبل نسبت به پیروزی حداکثری در جنگ یمن دچار تردید شده و هزینه های سنگینی نیز متحمل گردیده است، تمایل دارد تا نسبت به پایان دادن جنگ، اقدامات جدی تری انجام دهد.

* از مارس ۲۰۱۵ سعودی ها دستاورد چندانی در جنگ یمن نداشته اند و اکنون موقعیت حوثی ها از متحدان عربستان بهتر و مستحکم تر است، آنان از یک سال پیش تاکنون سعی کرده اند با یک پیروزی بزرگ نظامی وارد میز مذاکره شوند؛ اما تاکنون به این مهم دست نیافته اند، احتمال دارد سعودی ها با چنین وضعیتی در میز مذاکره با حوثی ها حاضر شوند

موضوع مذاکره عربستان با طرف های یمنی موسوم به هیات ملی یمن متشکل از انصارالله و حزب کنگره در اوج بحران و حملات سعودی در سال های گذشته نیز وجود داشته و یک دور مذاکرات در کویت سال ۲۰۱۶ و یک دور مخفیانه در عمان اوایل سال ۲۰۱۸ برگزار شده است. بنابراین اصل مذاکره چیز عجیبی نیست و انجام هم شده است. منتهی موضوع اصلی بر سر چارچوب مذاکرات و مهمتر از آن اراده برای پایان دادن به این جنگ بوده که این مسئله به صورت کامل از سوی ریاض نشان داده نشده است. در واقع عربستان تا زمانی که از خواسته های حداکثری همچون تسلیم بی قید و شرط انصارالله عبور نکند، نمی توان به موفقیت مذاکرات خوشبین بود. زمانی این گفت و گوها بین طرف های یمنی با عربستان تحت نظارت سازمان ملل به سرانجام روشنی می رسد که مقامات ریاض و در رأس آنها ولیعهد سعودی که وزیر دفاع نیز می باشد، به این نتیجه برسد که می باید واقعیت های میدانی یمن از جمله نقش جدید انصارالله در معادلات یمن را به رسمیت بشناسد یا حداقل آنرا در نوع نگاه خود به آینده یمن لحاظ کند.

انتهای پیام /